

گزارشی از جلسه بزرگ داشت جان باختگان اعتراض ها و تظاهرات مردم علیه حاکمیت متقلب

بوخوم / آلمان



فردا افق چونان همیشه شعله ور و خونی ست! (مانی)
امید سلاح پیروزی است! (مصدقی)

با همه اختلاف نظر ها ، پیوستن به جنبش نسل جوان در ایران (کاخساز) به دعوت گروهی از ایرانیان آزادیخواه ، جلسه ای برای بزرگ داشت جان باختگان تظاهرات و اعتراض های میلیونی مردم علیه تقلبات گسترده دولت احمدی نژاد و حمایت همه سویه "ولی مستبد فقیه" / علی خامنه ای از آن، در شامگاه جمعه 9 مرداد 88 در شهر بوخوم، برگزار گردید.

پنجاه تن از هم میهنان حاضر در سالن، خود را در کنار تصاویر بزرگی از جوانانی می یافتند که با گلوله ماموران لباس شخصی و یا زیر شکنجه جلادان ولی فقیه در زندان ها کشته شده بودند. تصاویر جوانانی که با زیبایی و عطر گل های رز و نورو گرمای شعله های شمع آذین یافته ، شورزندگی و شوق رهائی را فریاد می زدند. دوتصویر بزرگ ندا و سهراب با رنگ های شاد و نگاه هایی شاد تر، طعنه می زدند که غم و ترس و خفت را بدور بریز، غنچه جوانه را دریاب، ترنم چشمه و چشمه خورشید باش!

پس از خوش آمد گویی از سوی برگزارکنندگان، حاضرین به نشانه احترام به کشته شدگان راه آزادی، برخاسته و یک دقیقه در سکوت، یاد آن ها را در جان خویش گرامی داشتند.

آقای ناصر کاخساز اولین سخنران نشست بود که مسئله مبرم جنبش، همانا شیوه سازماندهی آن را مورد نقد و بسط قرارداد. وی اظهارداشت که آنچه سازماندهی عمودی و گود و خطی می نامید، نمی تواند پاسخ گوی اعتلای حرکت جنبش مردم باشد. وی این گونه سازمان یابی را بنوعی به ایدئولوژی آمیخته دانست که موجب انباشتی از اطلاعات می گردد که بنوبه خود مانع از بازشدن در های تشکیلات آن به روی توده های مردم خواهد گردید. از دیگر پیامدهای ناگزیر سازمان یابی های عمودی و گود، شکل نگرفتن روابطه بیرونی، ایجاد احساس خودخواهی درونی و انحصاری خواستن قدرت، برگذاری حد و مرزهای تنگ برای

تغییر و تحول، علاقه مندی به آمریت، باور به خرد منفصل با یک رهبری
بشدت متمرکز، بی اعتنائی به حقوق فردی در سازمان، اعتیاد به
سرکوب و از اعتبار انداختن عُرُف به مثابه عدم پذیرش حاکمیت عقل
سلیم، هستند.

وی در ادامه از عرف سبز نام برد که دارای سازماندهی افقی است.
این گونه تشکل یابی با اتکا به شور اجتماعی است تا یک ایدئولوژی.
وی بستر و خاستگاه اصلی دمکراسی را تفکیک شرع از عُرُف می بیند که
در انقلاب بورژوائی به انجام می رسد.

ناصر کاخساز جنبشی که در ایران جریان دارد را از بزرگترین جنبش
های 50 سال اخیر دانست و تاکید کرد که دمکراسی در بسترهای عرفی
و افقی رشد می کند. وی سپس به تلاش برای ایجاد اتحادها اشاره نمود
و گفت باید ببینیم در زیر کدام سقف می خواهیم قرار بگیریم. به
باور کاخسازسقفی که عقلانیت ایرانی برای اتحاد تدارک می بیند تقدم
دمکراسی بر عدالت است. وی ادامه می دهد هر اسرژیم از این است که
مردم ایران دروازه های تمدن را باز کنند. باید ساختارهای
بوروکراتیک و کاریسما پرور را خرد کرد و گذاشت همه بتوانند حرف
های خود را بزنند و با همه اختلاف نظر ها به جنبش نسل جوان در
ایران بپیوندند.

آقای ایرج مصداقی از زندانیان سیاسی دهه 60 در جمهوری اسلامی،
سخنران بعدی بود. وی پس از تشکر از برگزار کنندگان نشست یادآوری
نمود که یکماه دیگر، شهریورماه، بیست و یکمین سالگرد
کشتار زندانیان سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی است و هنوز "چشم
رادرچشمه اشک می شویند!"

وی گفت در تمام این سال ها همان بی رحمی در زندان ها چیره بوده
است که یک لحظه آن را در مرگ ندا، جهانیان دیدند.
مصداقی که تلاشی پیگیر و خستگی ناپذیر در افشاء جنایت ها و
جنایتکاران زندان های جمهوری اسلامی دارد، ادامه داد قبل از هر
چیز ایدئولوژی نظام پشتوانه شکنجه و اعدام ها است. این نظام برای
همه اقداماتش یک توجیه ایدئولوژیکی دارد و این ایدئولوژی را باید
شناخت تا به ریشه های توجیه جنایت ها در زندان ها بعنوان مثال
توجیه اعدام کودکان، پی برد.

وی از (فقه جواهری) نام برد که حاکم شرع را مختار می داند
در جزئی ترین امور زندگی مردم دخالت نماید و امر و نهی کند. وی این
حکم خمینی را که زنان کسانی که برای حکومت جاسوسی نکنند بر آنها
حرامند، ناشی از این فقه می داند. خمینی آن روزی که کافرین را می
کشند، یوم الله و قاتلین را بندگان خدا می داند. از این رو این "

بندگان خدا" در روزهای فاجعه برای زدن لگد به شکم زندانیان برای افتادن از سکوی اعدام به پائین، مسابقه می دادند و پس از اجرای امر، نان خامه ای بین یکدیگر تقسیم می کردند!!

مصدیقی شرحی از رفتار زشت زندانبان بویژه با زنان زندانی داد وگفت به زندانیان زن گناهان جنسی نسبت می دادند و آنها را در "قبر" های شکنجه گاه قرار می دادند. اگر از نظر انسان ها "جعبه"، "تابوت"، "قفس" و "قبر" و "خانه های سازمانی" و... ابزار شکنجه و فشار های شکننده و طاقت فرسا بر روی زندانی محسوب می شوند، از نظر مسئولین زندان اینها همه "کارخانه" و "دستگاه" محسوب می شوند که آدم های "دیگری" می سازند!

زندانبانان چنان مسخ شده اند که باور دارند که زجر و شکنجه برای زندانیانی که مقام انسانی ندارند، "رحمت" است و آنها را از ناپاکی "خالص" می کند تا شاید دوزخی نشوند!

در مورد مصاحبه های تلویزیونی مصدیقی گفت، بازجویان که خود را خلیفه الله می دانند گاهی آنقدر زندانی را زیرشکنجه و فشار می گرفتند که شرط اعدام او را، مصاحبه کردن قرار می دادند!!

سخنان ایرج مصدیقی، انسان را به دنیای تاریک و خونین دیگری پشت دیوارهای بلند زندان های می برد که با همه افشاگری ها و خاطره نویسی ها، هنوز بسیار ناشناخته است و هر "تازه واردی" به این سیاه چال ها را شوکه می کند.

پس از تنفس کوتاهی که در پایان سخنان ایرج مصدیقی سخت ضرور می نمود، میرزا آقا عسگری/ مانی / با زبان شعر به شرح شرارت های اصحاب شرور شرع پرداخت.

وی در آغاز به آزادی خواهان از صدر مشروطه تا جنبش کنونی ادای احترام کرد و یاد آور روز 8 آگوست شد که در بالین آرامگاه زنده یاد فریدون فرخ زاد بمناسبت سالگرد قتلش توسط مزدوران رژیم گردهمائی برگزار خواهد گردید.

مانی، جنبش اخیر را جنبشی برای آزادی خواند و شاید هم برای سکولاریسم و مطرح کرد هر کس با هر نگاه و هر پرچمی که در آن شرکت می کند، جنبش برای همان است و اینچنین است که جنبش همه را در بر می گیرد. وی سپس با فروتنی گفت که با اینکه 30 سال است بر ضد جمهوری اسلامی شعر نوشته ام باید بگویم که حقیقتاً شعرهمان چیزی است که امروز در خیابان ها می بینیم.

میرزا آقا عسگری، نخست شعری را که در سال 1367 برای محمد دریا باری، یکی از زندانیان سیاسی اعدام شده در زندان های مخوف رژیم سروده بود خواند:

دریا سلام
سلام دریایی
امروز پیک تلخ دهان، آمد و گفت
کشته اند ترا باز
و خون باستانیت اینک
در گنجینه ها روانست

...

فردا دوباره دریا توفانی ست
فردا دوباره دردل این خاک غمسرشت
باید بپروریم
گلخوشه های گندم آزادی را
فردا افق چونان همیشه شعله ور و خونی ست

...

دومین شعر مانی، آدراپانا، نام داشت که نام اسدآباد کنونی است در
قبل از حمله اعراب به ایران.
مانی به "ویران کنندگان" ایران، در سیر تاریخ، بنوبه خود پاسخ
می دهد:

...

و تو، ای سوسک بیابانی! چُسنه!
و شما سوسمارهای شن زی!
بر خاک من بلولید، بلولید
اما می دانید گام های کوبنده در راهند.
رژه ی آزادی در راه است.
سرفرازی در راه است.
شما!

شما سوسک های حدیث گو
سوسمارهای آیه خوان!
زیر گام های پرطنین آینده له خواهید شد
آینده ای که طنین گام هایش را از هم اکنون می شنوید.

درانتها، فرصت کوتاهی نیز به حاضرین داده شد تا به مطرح کردن
پرسش ها و نظرات خود پردازند:

در مسئله رهبری جنبش، باید از روش های مدیریت نوین علمی که می
تواند در سیاست نیز بکار گرفته شود بهره برد. آیا توابعین
قربانیان رژیم هستند و یا از جمله گناهکارانند؟ آیا در جامعه ما
نیاز به رهبریت وجود دارد؟ آیا شعار(استقلال، آزادی، جمهوری
ایرانی) بازگو کننده جنبش ملی است؟ این افشاگری های آقای مصداقی

که احساس وحشت ایجاد می کند، نشان از آن دارد که این رژیم حتی اگر دریای خون بپا کند، برخلاف شاه کوتاه نمی آید. پس چگونه باید با آن مبارزه کرد؟! این شکنجه گران، بیماران روانی هستند که متأسفانه از همین جامعه برخاسته اند؛ رهبری می بایست دستجمعی باشد، رهبری ای که با ملت در یک گفتگو قرار گیرد؛ اهمیت تاکید بر حقوق ملی اقوام و ملیت های ایران در مبارزه برای آزادی و دموکراسی.

آقای ناصر کاخساز ضمن پاسخ به سوالات و اظهار نظرات براهمیت بوجود آمدن یک شورای مرکزی رهبری بر اساس تجربیات نهضت ملی که مبارزه در داخل و خارج از کشور را شامل شود، تاکید نمود و گفت که دولت حقوقی یک وجه الیوافق است.

آقای مصداقی در پایان ضمن اینکه زندانیان مقاوم و یا توابعین را هرکدام، یک طیف جداگانه خواند گفت که می بایست جایگاه هر شخص را بطور مشخص در آنها بررسی کرد. او از ظرفیت متفاوت انسان ها برای مقاومت مثال آورد و تاکید کرد که انسان ها هر یک بنوعی در ذهن خویش امید را زنده نگه می دارند و این امید در سربلندی و پیروزی آنها در شرایط فوق العاده دشوار نقش تعیین کننده ای دارد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

برگزاری "دادگاه" نمایشی بازداشت شدگان جنبش اعتراضی مردم را محکوم می کنیم!

محاكمه‌ی گروهی از بازداشت‌شدگان جنبش «ابطال انتخابات» از روز شنبه 10 مرداد در بی‌دادگاه حکومت اسلامی به ریاست صلواتی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی آغاز شده است. در بین متهمین حاضر در جلسه دادگاه که نزدیک به ۱۰۰ نفر بودند، چهره‌های سرشناس اصلاح طلبان همچون بهزاد نبوی، میردامادی، امینزاده، عطریانفر، محمدعلی ابطحی، صفایی فراهانی، رمضانزاده و ... به چشم می‌خوردند.

این دادگاه در شرایطی برگزار می‌شود که بخشی از متهمین از حق داشتن وکیل محروم بوده و وکلای دیگر متهمین، یا از زمان برگزاری

دادگاه بی‌اطلاع بوده و یا از حضور آنها در دادگاه جلوگیری کردند. بر طبق اخبار رسیده در دوران بازداشت، برای اعتراف‌گیری و انجام مصاحبه‌های تلویزیونی و اجرای پروژه «تواب‌سازی»، متهمین شدیداً تحت شکنجه و فشار قرار داشتند.

در کیفرخواست دادستانی تهران که در این بیدادگاه قرائت شد، بازداشت‌شدگان، «متهم» به «اقدام علیه امنیت ملی»، تخریب اموال شخصی مردم و «انقلاب مخملی» و برهم زدن نظم عمومی شده‌اند. بخش‌هایی از این کیفرخواست بر اساس «اعترافات» متهمین تنظیم شده که، به دلیل آن که این اعترافات زیر شکنجه صورت گرفته، فاقد موضوعیت قانونی است. وکلای متهمین نیز اعلام کرده‌اند که تا روز دادگاه موفق به ملاقات با موکلین خود نشده و از محتوی پرونده آنها بی‌اطلاع هستند.

در این دادگاه فقط رسانه‌های نزدیک به دولت و نهادهای قضایی - امنیتی حضور داشتند. و از حضور خبرنگاران مستقل جلوگیری شده بود. خبرگزاری امنیتی فارس اعلام کرده است که برخی از متهمان اگر به محاربه متهم شوند به اشد مجازات محکوم خواهند شد.

این بار اول نیست که حکومت جمهوری اسلامی چنین «دادگاه»ی را برپا می‌کند و به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» مخالفین را به پای میز بیدادگاه‌های خود می‌کشد. مردم ایران سال‌ها است با این بیدادگاه‌ها آشنا هستند و نه «اعترافات متهمین» را باور دارند و نه نمایش قضایی رژیم را. اما حکومت اسلامی مدام این مضحک‌های قضائی را تکرار می‌کند چرا که هر روز بیش از روز پیش، ناگزیر است تا با تکیه بر زور سرنیزه و بیدادگاه‌های خود، مبارزه مردم برای آزادی، استقلال و جمهوری دموکراتیک و لائیک را سرکوب کند.

آنچه در این سری محاکمات قابل توجه است، حضور چهره‌های سرشناس اصلاح طلب در بین متهمین است. کسانی که سال‌ها برای قوام و پایداری این نظام از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند و امروز بر صندلی اتهام «اقدام علیه نظام»، نشست‌اند. محکوم کردن این افراد به اقدام علیه نظام، به روشنی بیانگر آن است که در نظام جمهوری اسلامی جایی برای اصلاحات و اصلاح طلبی نیست. حکومت جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را به نمایش گذارده و در قامت یک حکومت دیکتاتوری خشن و سرکوبگر، که از هیچ اقدامی برای حفظ قدرت، فروگذار نخواهد کرد، ظاهر شده است. در مقابل این حکومت اما مردم، از پای ننشسته‌اند و جنبش اعتراضی هر روز با یافتن راهکارهای جدید به مقابله با این حکومت دیکتاتوری بر می‌خیزد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، برگزاری این "دادگاه" نمایشی را محکوم کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی متهمین و بازداشت‌شدگان جنبش اعتراضی مردم و همه زندانیان سیاسی است.

ما از همه نیروهای چپ، مترقی و آزادی‌خواه دعوت می‌کنیم تا در همکاری با یکدیگر، با تمام توان به این "دادگاه"های نمایشی، اعتراض کرده و توجه رسانه‌ها، افکار عمومی، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و دولت‌ها در سراسر دنیا را به این محاکمات نمایشی جلب کرده و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را هرچه بیشتر گسترش دهیم.

11 مرداد 1388 / 2 اوت 2009

جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر!

واکنش موسوی به شعار «جمهوری ایرانی»

مهندس میرحسین موسوی روز شنبه در گفت‌وگویی کوتاه با قلم‌نیوز، درباره شعارهای نهضت سبز در اجتماعات اظهار کرد: شعارهایی مورد حمایت راه سبز میلیونی مردم است که فراتر از قانون اساسی جمهوری اسلامی نرود. خواسته مردم دفاع از جمهوریت نظام در کنار اسلامیت آن است و شعار جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد در بیان این جنبه از مطالبات آنان نقش راهبردی دارد.

موسوی همچنین با تاکید بر ظرفیت‌های قانون اساسی افزود: ما به دنبال آزادی، عدالت و کرامت انسانی هستیم و اینها اهدافی هستند که تحققشان با اجماع و تاکید گسترده و تحول‌آفرین مردم بر چارچوب قانون اساسی و مطالبه‌شان برای اجرای کامل و دقیق آن امکان‌پذیر است. ما باید بدانیم برای آن که تغییر به سمت مطلوب صورت گیرد، اجماعی در مورد چنین چارچوبی جنبه سرنوشت ساز دارد و گرنه وارد یک دوران هرج و مرج خواهیم شد.

وی درباره ماهیت مطالبات مردم افزود: سرشت جنبش مردم جنبه

مسالمت‌آمیز دارد و متکی به خواست عمومی برای استیفای حقوقشان است که در انتخابات گذشته پایمال شده است. موسوی با اشاره به دروغ‌پراکنی‌های رسانه غیرملی و برخی افراد و تریبون‌ها تاکید کرد: به‌رغم ادعای مخالفان، این جنبش حوطلبانه و معنوی کوچکترین ارتباطی با خارج ندارد و کاملاً داخلی است و ملت ما به خوبی نسبت به اهمیت این فاصله‌گذاری با بیگانگان آگاه است و بر اساس تجربیات دو‌یست‌ساله خود نسبت به نیت اجانب با سوءظن برخورد می‌کند. وی همچنین افزود: در حرکت عظیمی که در سراسر جهان از سوی ایرانیان مقیم خارج در دفاع از مردم داخل کشور صورت گرفت، به طور محسوسی این فاصله‌گذاری نمایان بود و جا دارد از همه این هموطنان سیاسی‌گزار و تقدیر شود.

بیانیه جمعی از زنان آزادبخواه، برابری طلب و فمینیست ایرانی در کلن

پس از سی سال حکومت اسلامی در ایران، میلیون‌ها نفر به خیابان‌ها آمده‌اند تا از حقوق مدنی خود دفاع کنند و به نظامی "نه" بگویند که حتی به جزئیات زندگی خصوصی افراد تجاوز می‌کند. حکومت مذهبی‌ای که مردسالاری و زن‌ستیزی را قانونی و تقویت کرده و قیومیت و سرکوب زنان را به امر عادی اجتماعی بدل کرده است. حکومتی که در آن زنان، دگراندیشان، همجنسگرایان، تشکل‌های صنفی و احزاب، اقلیت‌های ملی، مذهبی و جنسی سرکوب می‌شوند و حتی اعتراض مدنی مردم هم با سرنیزه و گلوله پاسخ داده می‌شود. زنان که به عنوان بخش بزرگی از یک جنبش سیاسی و اجتماعی، از ابتدای ایجاد رژیم اسلامی، در اعتراض به حجاب اجباری، نابرابری حقوقی و جنسیتی با آن درگیر شده‌اند، امروز هم با شور و حرارت بسیار در صف اعتراض، مبارزه و مقاومت مردمی شرکت دارند. آنها یا در خیابان‌ها و زندان‌ها جان می‌بازند و یا در داغ فرزندان گمشده یا به خون غلطیده خود گرد هم می‌آیند. هم‌اکنون زندان‌های رژیم اسلامی مملو از زنان و مردانی است که

تنها امیدشان پیشرفت جنبش آزادیخواهان مردم و حمایت جهانی از آن است. شاهدان عینی خبر از اجساد می دهند که هر روزه از زندان ها بیرون آورده می شوند. اگرندا آقاسلطان در برابر دیدگان متوحش میلیون ها انسان در خون خود غلطید، اکنون بیابان های اطراف شهر ها، مامن پیکرهای شکنجه دیده و مورد تجاوز قرار گرفته زانی چون ترانه موسوی ها و جوانان ناشناسی است که دیگر حتی قادر نیستند با نگاهشان هم فریاد بزنند.

ما جمعی از زنان ایرانی با گرایشات سیاسی گوناگون که سالهاست برای آزادی زنان مبارزه می کنیم، برآن شده ایم که در عین حفظ استقلال نظری خود، قدم های هماهنگی برای حمایت هر چه موثرتر از مبارزات آزادیخواهان مردم، به ویژه زنان در ایران برداریم تا تبعیض جنسیتی قانونی شده در رژیم اسلامی، در متن مبارزات مردمی هر چه بیشتر به چالش گرفته شود و مبارزه برای کسب آزادی و رهایی تقویت گردد. زیرا میزان دموکراسی در هر جامعه ای را با میزان آزادی زنان آن می توان سنجید و در کشوری که شهروندان آن از حقوق برابری برخوردار نیستند، نمیتوان از وجود دموکراسی حرف زد.

ما اعتقاد راسخ داریم که دیکتاتورهای حاکم حتی با سرکوب و کشتار هم نمی توانند از فرو ریزی کاخ های قدرتشان جلوگیری کنند. ما انتخابات آزاد را در چهارچوب رژیم بنیادگرای اسلامی ممکن نمی دانیم و برون رفت از برزخ کنونی را در برکناری رژیم ایدئولوژیک اسلامی می دانیم.

ما خود را همصدا با مبارزات آزادیخواهان و حق طلبانه مردم، به ویژه زنان در ایران می دانیم و تلاش می کنیم تا صدای اعتراض آنان را هر چه رساتر به گوش جهانیان برسانیم. ما از تمامی انسان های آزادی خواه و برابری طلب که خود را در این نقطه نظرات با ما شریک می دانند و به ضرورت این کنش اعتقاد دارند، صمیمانه دعوت می کنیم که با ما همصدا و همگام شوند.

ما برای رسیدن به خواسته های زیر مبارزه می کنیم:

جدایی دولت از دین

ممنوعیت شکنجه و مجازات اعدام

آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی

لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز جنسیتی و تامین برابری حقوق زن و مرد

لغو حجاب اجباری که نماد سرکوب جنسیتی است

آزادی بدون قید و شرط اندیشه، بیان و رسانه ها

آزادی برپایی تظاهرات، اعتصاب، تشکل ها

رفع تبعیض اقلیتهای ملی و مذهبی
عدم دخالت دولت در زندگی فردی و جنسیتی شهروندان

کلن ۲۵/۷/۲۰۰۹

اسقلال، آزادی، جمهوری ایرانی

<http://www.youtube.com/watch?v=e0zquYsjE6k>

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

ضرب و شتم و کشتار مجاهدین را محکوم می کنیم، الزام رعایت حقوق پناهندگی و مفاد کنوانسیون های بین المللی در باره مجاهدین را خواستاریم

بر اساس اخبار و اطلاع در روز گذشته سه شنبه 7 مرداد ماه 1388 اردوگاه اشرف، محل استقرار اعضای سازمان مجاهدین در استان دیاله عراق در نزدیکی مرز ایران، بشکل گسترده ای از سوی نیروهای عراقی (متشکل از ارتش و پلیس) مورد تعرض قرار گرفت و در یک عملیات نظامی این اردوگاه اشغال شد. نیروهای عراقی در این یورش علاوه بر آن که با بولدوزر درب اردوگاه را شکسته اند، با اسلحه و باتوم های برقی، میله گرد و گاز اشک آور و با خشونت اعضای سازمان مجاهدین را مورد ضرب و شتم فرار داده اند. گروه زیادی از مجاهدین بشدت مجروح و بیش از 8 نفر در این یورش کشته شده اند. این تعرض امروز هم ادامه داشته و براساس گزارش منابع مجاهدین تعداد کشته شدگان افزایش یافته است. همچنین اعضا سازمان مجاهدین در اردوگاه اشرف برای تحقق خواست های خود از جمله « استقرار نیروهای آمریکائی به جای

نیروهای عراقی در این پایگاه»، اعلام اعتصاب غذا کرده‌اند.

ما یورش خشونت بار نیروهای نظامی عراق به پایگاه اشرف، کشتار و ضرب و شتم اعضا و هواداران مجاهدین توسط دولت عراق را محکوم می‌کنیم. ما اکیدا خواستار رعایت حقوق پناهندگی و اجرای مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی و کمسپاریای عالی پناهندگی و رعایت حقوق و وضعیت انسانی ساکنان اردوگاه اشرف و اعمال رفتارهای انسانی و تضمین آزادی انتخاب برای ساکنین این اردوگاه هستیم. علاوه بر این تاکید داریم با توجه به آن که دولت احمدی نژاد، کمترین اعتراض توده‌ها را با خشونت، سرکوب و گلوله پاسخ می‌دهد، بازگرداندن اعضا سازمان مجاهدین به ایران، آشکارا تائید این کشتارها و در خطر انداختن جان این افراد خواهد بود.

هفتم امرداد 1388